

**هدف کلی:** آشنایی با جایگاه و نقش ابن سینا و شیخ اشراق در تاریخ فلسفه اسلامی

به کانال ما در تلگرام بپیوندید

[t.me/mahmoudi\\_izeh](https://t.me/mahmoudi_izeh)

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

سال تحصیلی: ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

### اهداف جزئی

آشنایی با گوشه هایی از زندگی ابن سینا

شناخت آثار مهم ابن سینا

آشنایی با دیدگاه ابن سینا در طبیعت شناسی

شناخت تفاوت نظر شیخ اشراق با ابن سینا در فلسفه



1- ابن سینا در مشرق زمین به چه القاب با شکوهی شهرت دارد؟

2- ابن سینا در اروپا با چه القابی معرفی شده است؟

## دورهٔ میانی

### ➤ شیخ الرئیس فلسفه

1 ( حسین بن عبدالله بن سینا، در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه «شیخ الرئیس» و «حجة الحق» شهرت دارد<sup>1</sup> در اروپا او را «اویسنا»<sup>2</sup> و «اویسن»<sup>۲</sup> و «شاهزاده اطبا» می نامتند<sup>3</sup> ) او از داناترین و پرازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در جهان به شمار می آید.

ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد. این فیلسوف در زندگی نامه ای که برای شاگرد وفادار خود، ابو عبید جوزجانی، نگاشته مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است. در این زندگی نامه آمده است که پدر ابن سینا وی را در همان کودکی به معلم قرآن و ادب می سپارد و او چنان در آموختن پیش می رود که مردم از میزان دانش وی در ده سالگی شگفت زده می شوند.

ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله ناتلی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت؛ به گونه ای که قسمت های دشوار کتاب را برای استاد خود روشن می کرد.

6 ( او از همان کودکی و نوجوانی چنان مطالعه می کرد و به آموختن علاقه نشان می داد که در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود را در ریاضیات، منطق، فقه، فلسفه و طب فرا گرفت و دانشمند بزرگ زمان خود شد. )<sup>6</sup>

۱. Avicenna.

۲. Avicenne.

4- ابن سینا زندگی نامه ی خود را برای کدامین شاگردش نوشت ؟ ابو عبید جوزجانی

5- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد کدام استاد بود ؟ ابو عبدالله ناتلی

6- چرا ابن سینا در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود را فرا گرفت؟ ان علوم کدامند؟

نکته

## نکته: دانش آموزان عزیز متن زیر را با دقت بخوانید



«زندگانی شروع به خواندن باب «کلیات خمس» کردم. چون به تعریف جنس رسیدیم، چند سخن بر او ایراد نمودم که بسی به شگفت آمد و به پدرم گفت: البته او را به غیر از تحصیل، به کاری مشغول مساز. هر مسئله‌ای که ناتلی مطرح می‌کرد، می‌فهمیدم و بهتر از خود او آن را تصور می‌کردم.»

ابن سینا خود می‌گوید: «علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم<sup>۱</sup>... با این همه، از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم. در آن زمان، شانزده سال از عمر من گذشته بود. پس، مدت یک سال و نیم دیگر نیز با جدیت به مطالعه پرداختم و بار دیگر منطق و سایر اجزای فلسفه را دوره کردم. در این مدت، روزها و شب‌ها را به مطالعه و طلب علم می‌گذراندم. هنگام مطالعه، هر مطلبی به نظرم می‌آمد، مقدمات آن را می‌نوشتیم، در آن نظر می‌کردم و شروط آن را منظور می‌داشتیم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می‌شد. اگر در مسئله‌ای حیران می‌ماندم و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی‌بردم، به مسجد جامع می‌رفتم و نماز می‌گزاردم و نزد مُبدِعِ کل، زاری و تضرّع می‌کردم تا آنکه بر من آشکار می‌گردید و شب به خانه برمی‌گشتم و به قرائت و کتابت مشغول می‌شدم و چون خواب بر من غلبه می‌کرد یا ضعیفی در خود مشاهده می‌کردم، تجدید قوا می‌کردم و باز به قرائت مشغول می‌شدم و بسیار بود که در خواب همان مسائل بر من مکشوف می‌شد.»



در سال ۴۲۵ هـ. ق سلطان مسعود غزنوی به اصفهان حمله کرد. ابن سینا که نزد علاءالدوله، حاکم اصفهان، احترام خاصی داشت، آهنگ همدان نمود. در مسافرت، بیماری قولنج وی عود کرد. ابن سینا احساس کرد که دیگر یارای مقابله با بیماری را ندارد. پس، به اطرافیان گفت: «تفسی که تدبیر بدن من بر عهده اوست، از تدبیر عاجز شده و دیگر درمان سودی ندارد.» چند روزی به این حال گذشت. او دارایی خود را به فقرا بخشید و روزها و شب‌ها قرآن می‌خواند و نماز و نیایش می‌کرد. سرانجام، در آیین تشییع و با اعتقاد و پارسایی کامل در سپیده دم روز جمعه اول رمضان ۴۲۸ دیده از جهان فروبست.

### درس

از این نقل مختصر از زندگی ابن سینا، چه نکاتی را می‌توان برداشت کرد؟

۱. الگو گرفتن از همت و پشتکار وی.
۲. توأم کردن دینداری و عقلانیت

### نکته

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه‌گذاری کرده بود و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند.<sup>۵</sup> (ابن سینا فلسفه‌مثنائی را نیز به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد.)

- ۱- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی چگونه است؟ عقلی و استدلالی
- ۲- چه کسی پایه‌گذار روش عقلی و استدلالی در مسائل فلسفی است؟ ارسطو
- ۳- چه کسی روش عقلی و استدلالی در مسائل فلسفی را به اوج رساند؟ ابن سینا
- ۴- چه کسی فلسفه‌ی مشایی را به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد؟ ابن سینا

۱. ابن سینا کتاب «قانون» را که قرن‌ها در آسیا و اروپا کتاب درجه اول دانشگاهی در طب شمرده می‌شد، در ۱۶ سالگی نوشته است و این نشانه نبوغ شگفت‌انگیز وی بوده است.  
۲. فلسفه‌مثناء، محمد ذبیحی، صص ۱۰ و ۱۱.

## ۵- ابن سینا در رابطه با فلسفه‌ی مشایی چه کاری انجام داد؟

**نکته**

**تالیفات**

ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرایی خود بیش از دوپست کتاب و رساله در شاخه‌های گوناگون علم و فلسفه نوشت که برخی از آنها قرن‌ها در مراکز علمی شرق و غرب تدریس شده‌اند و برخی امروز هم تدریس می‌شوند. کتاب‌های زیر از مهم‌ترین آثار او هستند: **محتوی کتاب قانون چیست؟**



کتاب قانون

1} **قانون** (که نوعی فرهنگ‌نامه پزشکی است، از معروف‌ترین آثار ابن سینا به‌شمار می‌رود و به زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.) **محتوی کتاب شفا چیست؟**



کتاب شفا

2} **شفا** (این کتاب نیز یک دایرةالمعارف عظیم علمی و فلسفی است و مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی می‌باشد. قسمت الهیات شفا که در بردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل‌ترین مرجع حکمت مشائی است و هم‌اکنون نیز در حوزه‌های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم‌ترین کتب فلسفی به حساب می‌آید.)

3} **نجات**: بیانی مختصر در فلسفه ابن سیناست و به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.



کتاب نجات

4} **انصاف**: دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده که در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

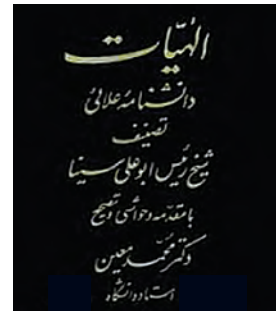
5} **اشارات و تنبیهاات**: آخرین دیدگاه‌های ابن سینا در حکمت را شامل می‌شود و امروز هم جزء کتاب‌های درسی است.

6} **دانشنامه علایی**: به زبان فارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاءالدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است. 1}

2- طبیعت از نظر ابن سینا چگونه است؟

**طبیعت شناسی ابن سینا**

- 2 (از نظر ابن سینا، طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که دارای حرکت است و رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت و از آن جدایی ناپذیر است.)
- 3 (علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم



کتاب دانشنامه علایی

3- علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» از نظر ابن سینا چیست؟ توضیح دهید؟

1- چرا این جهان از نظر ابن سینا بهترین نظام ممکن و احسن است؟

2- از نظر ابن سینا چه چیزی شیء را به سوی خیر و کمال سوق می دهد و شرط آن چیست؟

3- از نظر ابن سینا آیا شرور و بدی های موجود در طبیعت می توانند به کمال نهایی طبیعت کمک کنند؟ با ذکر مثال توضیح دهید

هر سو که دودیدیم همه روی تو دیدیم  
هر جا که رسیدیم سرکوی تو دیدیم  
هر سرو روان را که در این گلشن دهر است  
بر رسته بستان و لب جوی تو دیدیم<sup>۱</sup>



سیره نویسان نوشته اند که ابن سینا با ابوسعید ابی الخیر، عارف نامی قرن پنجم دیدار نموده است. پس از این دیدار، از ابن سینا پرسیدند که شیخ را چگونه یافتی؟

ابن سینا گفت: هر چه من می دانم او می بیند.

از ابوسعید پرسیدند: بوعلی را چگونه یافتی؟

ابوسعید گفت: هر چه را ما می بینیم، او می داند.

برخی مورخان در این دیدار حضوری تردیدهایی کرده اند. لیکن آنچه گزارش شده، بیان وضعیت حال فیلسوف و عارف است.<sup>۲</sup>

طبیعت می باشد. خود این عالم نیز به عنوان یک «کل»، طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.<sup>3</sup>

1 ( خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می بخشد. )<sup>1</sup>

2 ( به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. )<sup>2</sup> حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت به انجام می رساند. )<sup>3</sup>

5 ( ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن ( که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود )، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم )<sup>4</sup> شیخ الرئیس می گوید: 6 ( آیا می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست. )<sup>5</sup>

7 ( از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق می رساند و مصداق آیه شریفه «أَنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ - تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند<sup>۲</sup> - می سازد. )<sup>7</sup>

5- ابن سینا علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، از ما چه می خواهد؟

6- ابن سینا درباره ی مبدأ کل جهان هستی و ارتباط او با جهان چه می گوید؟

۱. شمس مغربی.

۲. فلسفه مشاء، محمد ذبیحی، ص ۴ و

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۶.

۱. اشارات و تنبیهاات، نمط ششم، تذنیب.

۲. سورة فاطر، آیه ۲۸.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، سید حسین نصر، انتشارات دانشگاه تهران.

7- از نظر ابن سینا تامل در چه چیزی دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؟ توضیح دهید

دیدگاه ابن سینا دربارهٔ عالم طبیعت را مطالعه کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ چرا ابن سینا عالم طبیعت را هدفمند می‌داند و برای آن هدف و مقصد قائل است؟

دلیل. این سینا این است که این عالم طبیعت مخلوق خداست و خداوند حکیم است و فعل او در نهایت حکمت و اتقان است و چون مخلوق خداست بهترین نظام و نظام احسن است.

۲ چگونه ابن سینا طبیعت را یک مجموعهٔ دارای اعتدال و رو به کمال می‌داند، در عین حال که از اموری مانند مرگ، سیل، زلزله و نظایر آن هم آگاهی دارد؟ اعتماد ابن سینا به حکمت الهی است و براساس آن اموری

مانند سیل و زلزله را تبیین می‌کند و می‌گوید که این امور حتما جایگاهی در حکمت الهی دارد به عبارت دیگر، ساختار عالم طبیعت به گونه‌ای است که همین حوادث که به ظاهر سبب خرابی می‌شوند در نهایت به حرکت رو به کمال طبیعت کمک می‌کنند

۳ شهرت ابن سینا در طب و طبیعت‌شناسی کمتر از فلسفه نیست. پس، چرا نگاه او به طبیعت با نگاه کسی که فقط در زیست‌شناسی یا طبیعت‌شناسی تخصص دارد، متفاوت است؟ آیا این قبیل تفاوت‌ها را امروزه

هم می‌توان مشاهده کرد؟

ابن سینا بزرگترین دانشمند در علوم طبیعی بود و در عین حال صاحب یک فلسفه الهی قوی و متعالی نیز بود. دلیل آن هم بنیان‌های فلسفی دزنت این نسبت است که می‌تواند میان ابعاد مختلف علمی وی هماهنگی به وجود آورد؛ مثلاً ابن سینا در عین قبول اصل تجربه برای رسیدن به علوم طبیعی، روش عقلی محض را هم قبول دارد و معتقد است که آن روش هم به نوبه خود دروازه ورود به شناخت جهان دیگر و شناخت خداوند و تأسیس یک الهیات قوی است دانشمندان امروزی، از آنجا که بیشتر روش تجربی را تنها روش رسیدن به علم تلقی میکنند، این زمینه برای آنها هست که به همین روش بسنده کنند و ابعاد متعالی وجود خود و جهان را نادیده بگیرند و به آن توجه نکنند یا کمتر توجه کنند

ابن سینا در داستان عرفانی - فلسفی «حی بن یقظان» آورده است:

«نیکویی وی پردهٔ نیکویی وی است و آشکار شدن وی سبب پنهان شدن وی است. چنان که آفتاب اگر چند اندکی پنهان شد، بسیار آشکارا شد و چون سخت پیدا شد، اندر پرده شد. پس، روشنی وی پردهٔ روشنی وی است.»

مقصود ابن سینا از این عبارت چیست؟ آیا می‌توانید آن را توضیح دهید؟

ابن سینا در این عبارت‌ها خداوند را توصیف می‌کند و عالیترین مفاهیم عرفانی را به کار می‌برد

ابن سینا می‌گوید زیبایی خداوند آنقدر عظیم است که انسان به عنوان یک وجود محدود توانایی

مشاهده آن زیبایی مطلق را ندارد. انسان زیبایی‌های محدود را می‌تواند مشاهده کند. از این رو

خداوند را در جلوه‌ها و تجلی‌هایش می‌توانیم ببینیم

۱. قصهٔ حی بن یقظان اثر ابن سینا، ترجمهٔ ابوعبید جوزجانی، شاگرد وی، (فلسوفان و عرفای دیگری هم قصه‌هایی با نام حی بن یقظان دارند).

## نکات

### حکیم اشراقی



یکی از فقیهان عصر شیخ می گوید:  
 «در کاروان سرایی در ارض روم، هنگام  
 زمستان فرود آمدم. آواز تلاوت قرآن  
 شنیدم. به سرایدار گفتم: این کیست که  
 تلاوت می کند؟

گفت: شهاب الدین سهروردی است.

گفتم: درباره او چیزهایی شنیده‌ام.  
 می‌خواهم او را از نزدیک ملاقات کنم.

گفت: هیچ کس را نمی‌پذیرد، اما وقتی  
 خورشید بالا می‌آید، از اتاق خارج  
 می‌شود و کنار آن سکومی نشیند.

کنار سکو منتظر شدم تا آمد. برخاستم و  
 سلام کردم. فهمید که قصد دیدارش را  
 دارم. سجاده خود را گذاشت و نشست.  
 با او سخن گفتم و او را در عالمی دیگر  
 یافتم.»<sup>1</sup>

5- حکمت اشراقی چگونه حکمتی است  
 توضیح دهید؟

6- فیلسوف اشراقی چگونه فیلسوفی  
 است؟

شیخ شهاب‌الدین سهروردی از برجسته‌ترین چهره‌های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه شُهرورد زنجان دیده به جهان گشود. تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد. پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه‌های ابن سینا آشنایی کامل یافت. سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی در آمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد<sup>2</sup> (و اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. در همین دوره، مهم‌ترین کتاب خود «حکمة الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوهٔ مشائیان فراتر می‌رود و حکمت اشراقی را پایه‌گذاری می‌کند.)<sup>2</sup>

3- سهروردی چگونه حکمت استدلالی ابن سینا را به کمال رساند؟

4- شیخ اشراق چگونه حکمت اشراق را پایه‌گذاری کرد؟

### پایه گذار مکتب فلسفی اشراق

3 ( شیخ اشراق به ابن سینا احترام می‌گذاشت و از او سپاسگزاری می‌کرد. در عین حال، می‌کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال<sup>3</sup> رساند<sup>4</sup> او با احیای فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان<sup>4</sup> و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی نو، به نام «حکمت اشراق» را پایه‌گذاری کرد<sup>5</sup> حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی‌کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می‌سازد<sup>6</sup> فیلسوف اشراقی می‌کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربهٔ درونی دریابد و به ذاتقهٔ دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران برساند<sup>6</sup> از نظر سهروردی، آن تحقیق فلسفی که فقط متکی به شیوهٔ استدلالی محض باشد و نتواند به قلب برسد، بی‌نتیجه است

۱. طبقات الاطباء، نوشته ابن ابی اصیبعه.

۱. سهروردی از ایران به آناتولی و از آنجا به سوریه می‌رود و به شهر حلب وارد می‌شود. حاکم شهر حلب، ملک ظاهر، پسر صلاح‌الدین ایوبی (فرمانده مسلمانان در جنگ‌های صلیبی) مقدم او را گرامی می‌دارد و تدریس در مدرسهٔ حلاویه حلب را به او می‌سپارد. مباحث وی در عرفان و فلسفه مورد قبول برخی فقههای قشری عامه که تنها به ظواهر شریعت توجه داشته‌اند، واقع نمی‌شود. آنها از ملک ظاهر می‌خواهند که او را زندانی کند و به قتل برساند. ملک ظاهر که در باطن به شیخ ارادت می‌ورزد، چنین کاری را نمی‌پذیرد. فقیهان شکایت پیش پدرش، صلاح‌الدین، می‌برند و صلاح‌الدین دستور قتل سهروردی را صادر می‌کند. سرانجام، ملک ظاهر مخالف میل باطنی خود شیخ را در حلب زندانی می‌کند. شیخ در زندان و در ۳۶ یا ۳۸ سالگی از دنیا می‌رود. برخی گفته‌اند او را در زندان خفه کرده‌اند. برخی نیز گفته‌اند که وی را به دار آویخته‌اند. آنچه روشن است این است که روز جمعه آخر ذی‌الحجه الحرام سال ۵۸۷ حجازه او را از زندان بیرون آورده و به خاک سپرده‌اند.

7- سهروردی کدام شیوه ی تحقیق فلسفی و سیر و سلوک روحانی را گمراه کننده می داند؟

- 1- قطب‌الدین رازی درباره حکمت اشراق چه می‌گوید؟  
 2- چرا شیخ اشراق همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می‌کند؟  
 3- شیخ اشراق مبدا جهان و خالق هستی را چه می‌نامد؟  
 4- از نظر شیخ اشراق اشیاء چگونه پدید آمده‌اند و تفاوت آنها در چیست؟

و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه‌کننده می‌باشد.<sup>7</sup>

1 (قطب‌الدین رازی یکی از پیروان اشراق می‌گوید: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده‌اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن روا اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل به دست می‌آید.»<sup>1</sup>)

## اشراق نور

- 2 (بر اساس بیانی که شیخ اشراق از «اشراق» دارد، مفهوم «نور» را به جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می‌نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می‌کند.<sup>2</sup> شیخ اشراق مبدا جهان و خالق هستی را نور محض می‌داند<sup>3</sup> و او را «نور الانوار» می‌نامد<sup>4</sup> اشیای دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده‌اند. پس، هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه‌ای است از نور. پس، تفاوت موجودات، مربوط به شدت و ضعف نورانیت آنهاست.<sup>4</sup> او می‌گوید:
- 5 («ذات نخستین و نور مطلق، یعنی خدا، پیوسته نور افشانی (اشراق) می‌کند و بدین ترتیب، متجلی می‌شود و همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.»<sup>5</sup>)
- 6 (در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می‌کنند<sup>6</sup> مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از نور ندارد. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته‌اند.)<sup>7</sup>

- 5- از نظر سهروردی چه رابطه‌ای میان نور الانوار و آفرینش سایر نورها و موجودات وجود دارد؟  
 6- مشرق و مغرب در فلسفه‌ی سهروردی چه معناهایی دارند؟  
 7- مشرق کامل و مغرب کامل و مغرب وسطی را از نظر سهروردی توضیح دهید؟

۱. استاد مطهری می‌گوید: «تفاوت اصلی و جوهری روش اشراقی و مشائی در این است که در روش اشراقی برای تحقیق در مسائل فلسفی و مخصوصاً حکمت الهی، تنها استدلال و تفکرات عقلی کافی نیست، سلوک قلبی و مجاهدات نفس و تصفیه آن نیز برای کشف حقایق ضروری است و لازم است، اما در روش مشائی تکیه فقط بر استدلال است.» (مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۴۱).

۲. شرح حکمة الاشراق، قطب‌الدین رازی، انتشارات حکمت، ص ۱۴.

۳. یادآور آیه ۳۵ سوره نور: «الله نور السماوات و الارض».

۴. حکمة الاشراق، سهروردی.

همان طور که از کلمه «حکمت اشراق» بر می آید، شیخ اشراق، علاوه بر استدلال که محور فلسفه است توجهی به اشراقات معنوی و سلوک عرفانی هم کرده است. از نظر شیخ اشراق استدلال باید با سلوک معنوی همراه شود، درحالی که در فلسفه مشاء، به سلوک معنوی کمتر توجه می شود

فلسفه مشاء بر محور مفهوم «وجود» است و از اصطلاح «نور» کمتر استفاده می کند. اما در حکمت اشراق، اصطلاح «نور» نقش محوری دارد و در مقابل آن، اصطلاح «ظلمت» را نیز به کار می برد

فلسفه مشاء از لحاظ تاریخی متصل به فلسفه ارسطو و افلاطون است. اما شیخ اشراق می

کوشد که فلسفه خود را به حکمت ایران باستان منتسب کند

## ذکر تفاوتها

با توجه به آنچه از حکمت مشاء و اندیشه های فارابی و ابن سینا و نیز از حکمت اشراق و اندیشه شیخ اشراق بیان شد، دو تفاوت اصلی این دو حکمت را بیان کنید. **پاسخ بالای صفحه**

۱

۲

## ۱- سهروردی به چه کسانی حکیم متاله می گوید؟

## دسته بندی جویندگان معرفت

سوال

سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند: **انها را نام ببرید؟**

۱ آنان که به تازگی شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند؛

۲ آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند؛

۳ آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیة نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند؛

۴ سرانجام آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متاله اند و بهترین دسته به حساب می آیند. شیخ اشراق درباره این گروه می نویسد:

۲ «اگر در زمانی اتفاق افتد که حکیمی غرق در تاله بوده و در بحث نیز استاد

باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست)... (زیرا برای مقام خلافت الهی ضروری

است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند البته مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست، بلکه گاه باشد که امام تاله در

ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهانی... [در هر حال] او است که ریاست تامه دارد، اگرچه در نهایت گمنامی باشد چون ریاست واقعی جامعه به دست او افتد،

زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هر گاه جامعه از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.» ۵

۴- مراد سهروردی از ریاست برای امام تاله چگونه ریاستی است؟

۵- از نظر سهروردی وقتی ریاست واقعی جهان به دست حکیم متاله افتد، جهان چگونه خواهد بود؟



حکمة الاشراق، مهم ترین اثر سهروردی و منبع اصلی حکمت اشراق است. این کتاب به زبان عربی است و در سال ۵۸۲ تألیف آن به پایان رسیده است. هانری کربن، فیلسوف بزرگ فرانسوی، برای نخستین بار متن حکمة الاشراق را تصحیح کرد و به چاپ رساند.

۲- سهروردی خلیفه و جانشین خدا را چه کسی می داند؟

۳- چرا از نظر سهروردی جهان هیچ گاه از خلیفه و جانشین خدا خالی نیست؟



- ۱ میان نام گذاری فلسفه سهروردی به «اشراق» و استفاده از مفهوم «نور» به جای «وجود» چه رابطه‌ای هست؟ اشراق به معنی تابیدن و تابش است، همانطور که این کلمه برای طلوع خورشید هم به کار می رود و آن چستی که خورشید طلوع می کند را «مشرق» می نامند. ابن سینا و فارابی که بیشتر از لفظ «وجود» استفاده می کنند، بیشتر از اصطلاحاتی مانند علت و معلول و نظایر آن استفاده می کنند؛ مثلاً خداوند را *علة العلل* یا واجب الوجود می نامند. اما شیخ اشراق خداوند را «نورالانوار» نامیده است
- ۲ آیا فلسفه اشراق سهروردی از فلسفه خارج و وارد عرفان شده یا همچنان فلسفه باقی مانده است؟ فلسفه سهروردی با اینکه از شهود عرفانی کمک می گیرد، اما از روش فلسفی و استدلالی خارج نمی شود شهود برای شیخ اشراق فقط جنبه الهام بخشی دارد. ایشان هر موضوعی را که از طریق شهود دریافت کرده کوشش می کند که در قالب استدلال فلسفی ارائه دهد و از این طریق وارد فلسفه خود نماید

برای مطالعه بیشتر، علاوه بر منابع درس قبل، به منابع زیر مراجعه کنید.

- ۱ مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها در هزاره ابن سینا، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۵۹.
- ۲ فلسفه سهروردی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، انتشارات حکمت.
- ۳ آموزش حکمت اشراق، سید یدالله یزدان پناه، انتشارات سمت.
- ۴ شرح حکمة الاشراق، قطب الدین رازی، انتشارات حکمت.
- ۵ تاریخ علوم عقلی، ذبیح الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶ سید حکیم مسلمان، سید حسین نصر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷ راه اصفهان، ژیلبر سینوئه، ترجمه مهدوی، نشر گفتار.
- ۸ رساله الطیر، ابن سینا، انتشارات الزهرا.

## انواع سوالات درس دهم فلسفه دوازدهم

### دوره میانی

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

- ۱- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابوعبید جوزجانی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت **غلط**
- ۲- ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد **صحیح**
- ۳- کتاب نجات آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود و امروز هم جزء کتاب های درسی است **غلط**
- ۴- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد **صحیح**
- ۵- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا می کند **غلط**
- ۶- از نظر سهروردی مغرب کامل جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد **صحیح**
- ۷- از نظر سهروردی آنان که در صور برهانی به کمال نرسیده اند اما به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متاله اند و بهترین دسته به حساب می آیند **غلط**

### جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

- ۱- حسین بن عبدالله بن سینا، در مشرق زمین به ابن سینا و ابوعلی سینا و با القاب **شیخ الرئیس و حجه الحق** باشکوه ..... شهرت دارد
- ۲- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، ..... است **عقلی و استدلالی**
- ۳- از نظر ابن سینا، طبیعت مرتبه ای از هستی است که ..... است و رو به مقصدی خاص دارد **دارای حرکت**
- ۴- شیخ اشراق می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی ..... به کمال رساند **کشف و شهود قلبی**
- ۵- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض میدانند و او را ..... می نامد **نورالانوار**
- ۶- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، ..... است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست **نور محض یا محل فرشتگان مقرب**
- ۷- کتاب قانون که نوعی ..... است، از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود **فرهنگ نامه پزشکی**

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

[t.me/mahmoudi\\_izeh](https://t.me/mahmoudi_izeh): لینک کانال تلگرام